سرکار خانم مهسا دینی

دانش آموخته کارشناسی ارشد
رشته روابط بین الملل
دانشگاه علامه طباطبایی

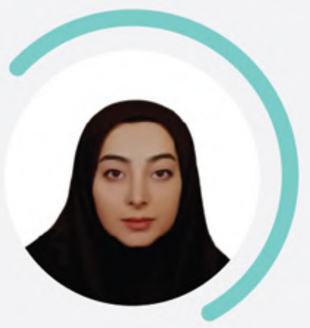

آموزش فرهنگ و هنر
در چارچوب توسعه پایدار یونسکو:
تجربه کنیا و چالش‌های منطقه‌ای

فرهنگ و آموزش همواره دو رکن مهم در هویت جمعی جوامع و تمدن بشری در طول تاریخ بوده‌اند. در اعصار مختلف تاریخی، از جوامعی که بدون فرهنگ و آموزش بودند، بعنوان جوامع بدوی، بربر و غیرمتمدن یاد می‌شد. توجه به فرهنگ و آموزش متناسب با پیشرفت در زیست بشر تکامل یافت و بشر را به عصر کنونی رساند. در عین حال، شاید اکنون با وجود آنکه بشر به سطح قابل توجهی در رشد فردی و جمعی نائل آمده است، اما چالش‌های گوناگون دنیای پیچیده و صنعتی امروز باعث شده که فرهنگ و آموزش هنوز هم با چالش‌های مهمی مواجه باشند. در جهت حل این چالش‌ها، قوانین، کنوانسیون‌ها و نهادهایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی شکل گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها، سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است. این سازمان علاوه بر تلاش در جهت اجرای هر چه بهتر سازوکارهایی که خود تدوین نموده، به راهکارهای دیگر نهادها و البته سازمان ملل نیز توجه می‌نماید. لذا این یادداشت ابتدا در پی پاسخ به این سوال است که فرهنگ و آموزش چه ارتباطی با یکدیگر دارند و نقش یونسکو در پیوند میان این دو مسئله چیست؟ همچنین این نوشتار به یک سوال دیگر نیز پاسخ می‌دهد: نقش سازمان‌های منطقه‌ای در توسعه فرهنگ و آموزش بطور کلی و مورد کشور کنیا چگونه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: آموزش، فرهنگ، یونسکو، توسعه، کنیا.

مقدمه

در جهان امروز که با چالش‌های پیچیده‌ای چون افزایش شکاف‌های اجتماعی، تشدید درگیری‌ها و بحران‌های محیط‌زیستی روبه‌رو است، نقش آموزش و فرهنگ به‌عنوان دو رکن اساسی در تحقق توسعه پایدار و ترویج صلح بیش از گذشته مورد تأکید قرار گرفته است. یونسکو در رویکردهای آموزشی و فرهنگی خود، بر ضرورت تلفیق این دو حوزه تأکید کرده و یادگیری مبتنی بر تنوع فرهنگی، تقویت درک بین فرهنگی و نهادینه‌سازی ارزش‌هایی چون حقوق بشر، شهروندی جهانی و احترام به کثرت‌گرایی را از عناصر بنیادین تحول آموزشی می‌داند. با این حال، تحقق مؤثر این اهداف در سطح جهانی، مستلزم همکاری و مشارکت نهادهای مختلف در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این میان، همکاری‌های چندجانبه و منطقه‌ای به‌عنوان پلی میان آرمان‌های جهانی و واقعیت‌های محلی، نقشی کلیدی در بومی‌سازی سیاست‌ها، تسهیل فرآیندها و تسریع دستیابی به اهداف آموزشی و فرهنگی ایفا می‌کنند. سازمان‌های منطقه‌ای، به‌واسطه درک عمیق‌تر از زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو، قادرند بسترهای گفت‌وگو، تبادل تجربه و طراحی راهبردهای مشترک را فراهم آورند و از این طریق، به تطبیق هرچه مؤثرتر آموزه‌ها و تعهدات جهانی با نیازها و اولویت‌های محلی کمک کنند. در غایت برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی این سازمان، بر ضرورت اولویت‌بندی اهداف توسعه پایدار تأکید شده است.

در این چارچوب کلی، فرهنگ و آموزش نقشی بنیادین در تحقق تمامی اهداف دستور کار ۲۰۳۰ ایفا می‌کنند و تضمین می‌سازند که توسعه صرفاً به پیشرفت‌های مادی محدود نشود، بلکه عدالت اجتماعی، ارزش‌های انسانی و درک بین‌فرهنگی را نیز در بر گیرد. بر همین اساس، سازمان‌های منطقه‌ای به‌عنوان کنشگران مکمل در سطح میانی حکمرانی جهانی، در ترویج ابتکارات مرتبط با این اهداف نقش‌آفرینی می‌کنند. این سازمان‌ها به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگ و آموزش، واسطه‌هایی حیاتی میان آرمان‌های جهانیِ درک بین‌فرهنگی و زمینه‌های خاص کشورهای عضو خود به‌شمار می‌روند. این نوشتار با تمرکز بر مبانی نظری و سیاستی پیوند میان فرهنگ و آموزش، جایگاه آن در اسناد و رویکردهای بین‌المللی و به‌ویژه نقش سازمان‌های منطقه‌ای، درصدد تبیین ظرفیت‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌گیری مؤثر از این رویکردها در راستای تحقق توسعه پایدار و شکل‌گیری جوامعی صلح‌محور، فراگیر و عادلانه است.

فرهنگ و آموزش: مباحث دانشگاهی و سیاسی

روابط متقابل بین فرهنگ و آموزش مدت‌هاست که در دستور کار تحقیقاتی علوم اجتماعی و در رأس برنامههای یونسکو قرار گرفته است. این امر با تمرکز بر چگونگی بهبود نتایج آموزش هنگامی که محتوا، برنامه درسی، روش‌ها و محیط‌های یادگیری از نظر فرهنگی مرتبط با هم و پاسخگو هستند، پیش میرود (Aronson & Laughter, 2016: 170). این چارچوب فرهنگی مفاهیمی مانند آموزش قومی، آموزش بین فرهنگی، آموزش بین فرهنگی دوزبانه، آموزش چندفرهنگی و موارد دیگر را در برمیگیرد (Riedemann et al., 2020: 43). براین‌اساس این برنامه در رشته‌ها و کشورهای مختلف گسترش یافته است. به‌عبارت‌دیگر این آموزش به‌عنوان بیانی از اینکه چگونه تنوع فرهنگی و زبانی در همه جوامع یک واقعیت است و مستلزم شناخت مثبت و رویکردهای هدفمند به‌عنوان الزامات سیستم‌های دموکراتیک واقعی هستند، در نظر گرفته میشود.

در نتیجه، در سطوح سیاست ملی و محلی فرهنگ و آموزش، روابط متقابل آموزشی، موضوع مداخلات متنوعی بوده‌اند که اغلب به طور

جداگانه جوامع مهاجر را از یک سو و جوامع بومی، سنتی و سایر جوامع اقلیت فرهنگی را ازسوی‌دیگر موردتوجه قرار می‌دهند. این موارد را می‌توان تحت دو خط‌مشی اصلی چندفرهنگ‌گرایی و بین‌فرهنگی دسته‌بندی کرد که از بحث‌های چندلایه‌ای که توسط جنبش‌های دانشگاهی، اجتماعی و بازیگران سیاست‌گذار تشکیل شده است، ناشی می‌شوند (Urteaga, n.d).

ازسوی‌دیگر درحالی‌که سیاست‌های چندفرهنگی عمدتاً در دموکراسی‌های لیبرال آنگلوساکسون یافت می‌شوند که هدفشان گنجاندن و ادغام مهاجران و اقلیت‌های فرهنگی است، دیدگاه بین فرهنگی در کشورهای جنوب جهان، به‌ویژه در آمریکای لاتین و کارائیب، قوی‌تر است. در این کشورها سیاست‌هایی را ارائه می‌دهند که بر لزوم دموکراتیک کردن دانش و آموزش با فراتر رفتن از سلسله‌مراتب اجتماعی-سیاسی، معرفتی، فرهنگی و زبانی تأکید دارند که محرومیت‌های اجتماعی ناشی از منطقه‌های استعماری و امپریالیستی را با توجه ویژه به مردم بومی و آفریقایی‌تبار بازتولید می‌کنند.

اخیراً دانشگاهیان، انتقادات خود را متوجه سیاست‌های بین‌فرهنگی کرده‌اند و خواستار تمایز بین فرهنگ کارکردی و انتقادی شده‌اند. فرهنگ کارکردی شامل به‌رسمیت‌شناختن و احترام به تنوع فرهنگی، با ادغام گروه‌های مختلف در ساختار اجتماعی موجود است. این رویکرد به علل اساسی نابرابری نمی‌پردازد و سازگاری با عملکرد فعلی سیستم سیاسی را حفظ می‌کند و بنابراین، بسیار شبیه به رویکردهای چندفرهنگی است. در مقابل، فرهنگ انتقادی، تحول سیستم را به‌عنوان هسته اصلی خود قرار می‌دهد، ساختارهای قدرت و مدل‌های اقتصادی را به چالش می‌کشد و برای یک تغییر کامل اجتماعی فراتر از شمول صرف تلاش می‌کند. در تحلیل آنها، سیاست‌های رایج در حوزه آموزش بین فرهنگی مانند ایجاد دانشگاه‌های بین فرهنگی و توسعه سیاست‌های تبعیض مثبت برای بهبود دسترسی گروه‌های به حاشیه رانده شده تاریخی به آموزش عالی برای حفظ فرهنگ انتقادی کافی نیستند. چرا که آنها تغییر سیستماتیک را ترویج نمی‌کنند، بلکه مرزهای موجود بین گروه‌های اجتماعی را برجسته می‌کنند.

هرچند این موضوع چالش‌برانگیز است، اما رابطه فرهنگ و آموزش به طور فزاینده‌ای در دستور کار چندجانبه یونسکو، جایگاه مهمی پیدا کرده است؛ یعنی به‌عنوان «پاسخی مثبت و ممکن به جهانی‌شدن و وابستگی متقابل» در نظر گرفته می‌شود (Gundara & Portera, 2008: 465). اگرچه ترجیحی برای اصطلاحات مبهم «بین‌فرهنگی» وجود دارد، متون چندجانبه از پیشنهادهای چندفرهنگی و بین‌فرهنگی کاربردی معاف نیستند؛ بنابراین، برای دستیابی به یک اجماع چندجانبه، جامعه بین‌المللی و یونسکو، عنوان «آموزش فرهنگ و هنر» را انتخاب کرده است؛ تصمیمی که بر مکمل بودن آنها به‌عنوان دو بخش سیاست‌گذاری، به‌جای یک چارچوب نظری خاص، تأکید دارد.

یک راه ممکن برای ادغام ارزش‌هایی که نزدیکی اخیر بین هر دو بخش را هدایت کرده‌اند، در مفهوم کثرت‌گرایی یافت می‌شود که به معنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ارزش‌ها، باورها و شیوه‌های زندگی متنوع در یک جامعه، از طریق توانایی یافتن زمینه‌های مشترک با وجود تفاوت‌ها است (King, 2017: 19). یک تعریف کاربردی مفید از کثرت‌گرایی، مجموعه‌ای از نیت‌ها و شیوه‌هایی است که به دنبال نهادینه‌کردن به‌رسمیت‌شناختن تفاوت‌ها و احترام به تنوع به‌عنوان فرهنگ مدنی است. این تعریف مستلزم سازوکارهایی برای گروه‌های مختلف است تا منافع خود را به مذاکره گذارند و راه‌حل‌هایی را بیابند که بر اساس تعهد مشترک به انصاف، عدالت، حقوق اساسی بشر و ارزش‌های دموکراتیک و به نفع همه باشد. درواقع اتخاذ یک دیدگاه و رویکرد کثرت‌گرایانه می‌تواند از اجماع‌سازی بین رویکردهای مختلف سیاست‌گذاری که ممکن است از بحث بین فرهنگی در مقابل چندفرهنگی یا حتی بین ذینفعان آموزشی و فرهنگی ناشی شود، پشتیبانی کند. به‌این‌ترتیب فضایی را برای نسل جدیدی از سیاست‌های توسعه جامع‌نگر فراهم میکند که در آن کثرت‌گرایی به‌عنوان بخش ذاتی خود توسعه دیده می‌شود.

جایگاه فرهنگ و آموزش در دستور کار چندجانبه

برخلاف بخش آموزش که به SDGs یا اهداف توسعه پایدار که با نام اهداف جهانی نیز شناخته می‌شوند، بخش فرهنگ، برنامهای برای توسعه پایدار و هدف خاصی را در دستور کار ۲۰۳۰ ندارد. به گفته مارتینل (Martinel, 2015: 56) این امر به دلیل اکراه کشورهای عضو در گنجاندن بحث‌های عمیق در مورد فرهنگ است و از این طریق از اذعان به نقش تفاوت‌های فرهنگی در درگیری‌های بین‌المللی معاصر و مدل غالب توسعه اقتصادی اجتناب می‌کنند. دهه‌ها بحث یونسکو در مورد نقش فرهنگ در توسعه، صلح و همکاری در مباحث اصلی پیرامون پایداری نادیده گرفته شد. بااین‌وجود در کمپینهای مختلف فرهنگی که توسط شبکه‌های فرهنگی مختلف در سطح جهانی هدایت می‌شوند و از SDGs فرهنگی حمایت می‌کنند، فرهنگ در حاشیه سایر ارکان توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی باقی مانده است.

پس از تصویب دستور کار ۲۰۳۰، این ذی‌نفعان به بیان نظرات خود ادامه دادند و در اولین اجلاس SDGs در سپتامبر ۲۰۱۹، کمپین خود را به‌روزرسانی کردند و گزارشی در مورد «فرهنگ در اجرای دستور کار ۲۰۳۰» یا (Culture2023Goal) منتشر کردند. از آن زمان،

از طریق استراتژی‌های ارتباطی و حمایتی قبلی و سایر استراتژی‌های ارتباطی، بازیگران بخش فرهنگی بر رویکردی فرابخشی به فرهنگ و پایداری اصرار داشته‌اند (Culture Action Europe, 2019). آنها بر ابعاد فرهنگی همه SDGs تأکید کرده و ابتکارات بین‌بخشی را با بخش‌های مرتبط، از جمله آموزش، تقویت می‌کنند.

به‌موازات آن، گفتگوهای چندجانبه در مورد آموزش، پس از همه‌گیری کووید-۱۹، توجه تازه‌ای را به خود جلب کرده است. در این راستا درخواست‌های فوری برای تغییر شیوه‌های آموزشی برای پرداختن به چالش‌های مداوم و نوظهوری مانند پرورش محیط‌های یادگیری سالم، همگام‌شدن با تغییرات سریع فناوری، مبارزه با بحران آب‌وهوا و تقویت ابعاد مدنی و انسانی آموزش مطرح شده است (Selwyn, 2021: 301). این امر در راه‌اندازی طرح «آینده‌های آموزش» توسط یونسکو در بین سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۹، که بر اساس یک فرآیند مشاوره دو ساله با تعداد قابل توجهی ذینفع انجام شد، منعکس شد. این طرح بر نیاز به یک قرارداد اجتماعی جدید در آموزش و پرورش تأکید می‌کند که با ترویج «حقوق بشر و مبتنی بر اصول عدم تبعیض، عدالت اجتماعی، احترام به زندگی، کرامت انسانی و تنوع فرهنگی» هدایت میشود (UNESCO, 2021). به علاوه راه را برای اجلاس تحول آموزش (TES) که در سپتامبر ۲۰۲۲ در نیویورک برگزار شد، هموار کرد. TES تحول آموزش و پرورش را در صدر دستور کار چندجانبه قرار داد و بر ویژگی آن به عنوان «عامل توانمندساز بزرگ» (Guterres, 2022)، یک کالای عمومی جهانی و یک حق اساسی که سایر اهداف توسعه را حفظ می‌کند، تأکید کرد.

پس از آن، بخش‌های آموزش و فرهنگ برای تقویت صدای خود در مجامع چندجانبه، تلاش‌های خود را با کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی و توسعه پایدار (MONDIACULT) متحد کردند. این کنفرانس چند روز پس از کنفرانس بین‌المللی سیاست‌های فرهنگی و توسعه پایدار در تاریخ ۲۸ تا ۳۰ سپتامبر در مکزیکوسیتی، چهل سال پس از اولین دوره آن که در سال ۱۹۸۲ به میزبانی همین شهر و کشور برگزار شده بود، موردتوجه قرار گرفت. بند ۱۳ اعلامیه نهایی MONDIACULT ۲۰۲۲ کاملاً به مأموریت مکمل بخش‌های فرهنگی و آموزشی اختصاص دارد و بر «اهمیت افزایش هم‌افزایی بین فرهنگ و آموزش، با اذعان به‌ضرورت آموزش مرتبط با زمینه که شامل میراث فرهنگی، تاریخ و دانش سنتی می‌شود» تأکید می‌کند (UNESCO, 2022). در همین دوره و با افزودن به این شتاب، اهمیت ظهور و تشدید درگیری‌های مسلحانه، تقریباً نادیده گرفته شده است. این مسئله هدف چهارم توسعه پایدار را آشکار کرده است که خواستار ارائه آموزش جامع برای توسعه پایدار برای همه فراگیران است. از جمله این اهداف در میان سایر الزامات، بر موضوع «ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی و قدردانی از تنوع فرهنگی و سهم فرهنگ در توسعه پایدار» تأکید شده است. باتکیه‌بر روح هدف چهارم توسعه، کشورهای عضو یونسکو در سال ۲۰۲۳، توصیه‌نامه آموزش برای صلح و حقوق بشر، تفاهم بین‌المللی، همکاری، آزادی‌های اساسی، شهروندی جهانی و توسعه پایدار را تصویب کردند که نسخه‌ای اصلاح‌شده از توصیه‌نامه سال ۱۹۷۴ در مورد موضوعات مشابه است (UNESCO, 2023).

در نسخه جدید خود، این توصیه‌نامه نیاز به آموزشی را بیان می‌کند که هم به تنوع فرهنگی و هم به شهروندی جهانی متعهد باشد و حس پیوستگی و تعلق به بشریت و سیاره زمین مشترک و متنوع را ترویج دهد. در مقابل یک نظریه ضمنی تغییر در آنجا یافت می‌شود، جایی که افراد از طریق آموزش، درک، احترام و قدردانی عمیق‌تری از تنوع فرهنگی و شهروندی جهانی ایجاد می‌کنند؛ بنابراین، از طریق شیوه‌های پایداری به حفاظت و حراست از سیاره مشترک خود متعهد می‌شوند.

اوایل ۲۰۲۴، با تصویب چارچوب یونسکو برای آموزش فرهنگ و هنر، که وزرای فرهنگ و آموزش جهان را از ۱۳ تا ۱۵ فوریه ۲۰۲۴ در امارات متحده عربی گرد هم آورد، گامی فراتر در این مسیر برداشته شد. این چارچوب دوبخشی بی‌سابقه، بر نیاز به یادگیری از طریق تنوع فرهنگی برای غلبه بر اختلافات و تقویت درک متقابل (UNESCO, 2024) را که قبلاً در اسناد بین‌المللی قبلی گنجانده شده بود، تأکید میکند. این هدف با پوشش جامع بسیاری از ابعاد فرهنگ و آموزش و برای کمک به اجرای دستور کار ۲۰۳۰ به وجود آمده است. لذا این مساله مهم است که کشورهای عضو یونسکو با ارائه توصیههای سیاستی سازمان در این زمینه با یکدیگر همکاری کنند. به این ترتیب دغدغه‌هایی را که همکاری بیشتر بین بخش‌های فرهنگ و آموزش را ایجاب می‌کند، شناسایی می‌کنیم: زمینه‌ای از افزایش نابرابری‌ها، درگیری‌های مسلحانه، اطلاعات نادرست، نفرت‌پراکنی، نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و سایر اشکال تبعیض که به شکاف‌های اجتماعی دامن می‌زند. با توجه به این موضوع، این سند بیانیه‌ای روشن برای آموزش مبتنی بر ارزش ارائه می‌دهد که باید با هرگونه تلاشی برای تغییر روش‌های یادگیری در جهانی که عمیقاً تحت تأثیر چالش‌های فعلی و پیش‌بینی‌شده خود قرار دارد، همراه باشد.

در سطح میانی بین مجامع چندجانبه و دولت-ملت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند فرآیند میانجیگری بین الزامات شهروندی جهانی و ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرآیندهای تاریخی محلی را تسریع کنند. نقش نهادهای منطقه‌ای مانند سازمان کشورهای ایبرو-آمریکایی برای آموزش، علوم و فرهنگ (OEI) یا سازمان وزرای آموزش آسیای جنوب شرقی (SEAMEO) که دارای اختیارات خاصی در آموزش و فرهنگ هستند، کاملاً واضح است. همچنین سازمان‌های ژئوکالچر (Durez, 2014: 125) مانند جامعه کشورهای پرتغالی زبان (CPLP) یا

دبیرخانه عمومی ایبرو-آمریکایی (SEGIB) که بر همکاری‌های آموزشی و فرهنگی به‌عنوان ستون‌های ایجاد روابط حسنه بین اعضای خود بنا شده‌اند. با این حال، مسئولیت بر عهده هر سازمان منطقه‌ای است که توسط اصول و اهداف دستور کار ۲۰۳۰ هدایت می‌شود، به‌ویژه آن‌هایی که فرهنگ صلح و عدم خشونت را در بین اعضای خود پرورش می‌دهند.

فرهنگ، آموزش و نقش ارزش‌شناختی تقویت‌شده آنها در دستور کار ۲۰۳۰

فرهنگ و آموزش، به‌عنوان دو حوزه سیاست‌گذاری و بین‌المللی، گرد هم آمده‌اند تا از دیدگاه مشترکی در مورد ارزش‌ها و اصولی که باید کار را به سمت اهداف توسعه پایدار هدایت کنند، حمایت کنند. درحالی‌که این چارچوب، واژگان بین فرهنگی را با عباراتی مانند «گفتگوی بین فرهنگی» و «تنوع فرهنگی» به‌عنوان پایه خود می‌پذیرد، روح کلی آن، ترویج کثرت‌گرایی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های اصلی است که باید از طریق سیاست‌های ترکیبی فرهنگ و آموزش محقق شود. این چارچوب به‌جای اینکه فرهنگ و آموزش را حوزه‌هایی غیرسیاسی یا خنثی تلقی کند، بیان می‌کند که آموزش باکیفیت باید به چالش‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی مانند «انگ اجتماعی، بیگانه‌هراسی، نفرت‌پراکنی، اطلاعات نادرست و تبعیض» بپردازد. این امر مستلزم پذیرش یک رویکرد انتقادی بین فرهنگی یا کثرت‌گرا است که نه‌تنها تنوع را گرامی می‌دارد، بلکه سیستم‌های امتیاز را نیز زیر سؤال می‌برد و برای ازبین‌بردن نابرابری‌های تاریخی تلاش می‌کند. به این معنا، هدف چهارم توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف مستقل تقویت می‌شود و فرهنگ و آموزش با یکدیگر به رسمیت شناخته‌شدن مجدد نقش اساسی و ارزشی خود در تمام اهداف توسعه پایدار، به‌عنوان وسیله و هدف، دست می‌یابند: سیاست‌های کثرت‌گرایی برای جوامع کثرت‌گرا. این چارچوب، راه را برای ادغام گسترده‌تر آموزش فرهنگ و هنر به‌عنوان مبنای ارزشی و انسان‌گرایانه برای توسعه هموار می‌کند و از سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران می‌خواهد که این رویکرد را در سراسر نظام آموزشی به کار گیرند و تضمین کنند که همه جوامع دانش خود را افزایش داده و از تنوع فرهنگی، حقوق بشر، درک و احترام بین فرهنگی، انسجام اجتماعی، پیشگیری از درگیری و آشتی و التیام پس از جنگ از طریق فرهنگ و هنر برخوردار باشند.

درحالی‌که چارچوب یونسکو برای آموزش فرهنگ و هنر متوجه کشورهای عضو است، نقش سازمان‌های منطقه‌ای را نیز مهم جلوه داده است. به این صورت که «به طور فزاینده‌ای برای عملکرد همه جنبه‌های امور جهانی از تجارت گرفته تا مدیریت به شکل اساسی درگیر هستند» (Söderbaum, 2013: 9). همچنین کسانی که به طور فعال در سیاست‌های فرهنگی و آموزشی مشارکت دارند و اغلب به شبکه‌های جامعه مدنی فراملی متصل هستند که می‌توانند از انتشار شیوه‌های خوب حمایت بیشتری کنند.

تحول آموزش برای توسعه پایدار در کشورهای عضو (مورد کنیا)

کشورهای عضو تشویق می‌شوند که «ابتکار کشوری» برای گنجاندن آموزش برای توسعه پایدار را اجرا کنند. ابتکار کشوری در زمینه آموزش برای توسعه پایدار برای سال ۲۰۳۰ باید دارای دامنه ملی باشد که شامل فعالیت‌هایی می‌شود که تأثیر در سطح کشور دارند یا می‌توانند داشته باشند. این ابتکار می‌تواند بر اساس فعالیت‌های موجود مرتبط با آموزش برای توسعه پایدار بنا شود یا در صورت لزوم، در چارچوب مشارکت‌های هدف چهارم توسعه پایدار (مثلاً بررسی برنامه درسی، توسعه معلمان و غیره) یک ابتکار جدید ایجاد کند و در صورت امکان آنها را گسترش دهد (UNESCO, 2025).

بنابراین، یک ابتکار کشوری معمولاً شامل حداکثر فعالیت‌های جاری آموزش برای توسعه پایدار (ESD) در کشور و همچنین برخی فعالیت‌های جدید، به‌منظور تقویت هم‌افزایی می‌شود. توصیه می‌شود که فرآیند طراحی این ابتکار کشوری چندذی‌نفعی، توسط مرجع آموزش دولت ملی (وزارت آموزش‌وپرورش) رهبری شود و با سایر وزارتخانه‌های مرتبط مانند محیط‌زیست هماهنگ شود. در حالت ایده‌آل، توصیه می‌شود ابتکار کشوری آموزش برای توسعه پایدار برای ۲۰۳۰ در چارچوب‌های ملی موجود در مورد اهداف توسعه پایدار، به‌ویژه در مورد هدف چهارم توسعه پایدار و همچنین در مورد اهداف ۱۲ و ۱۳، ادغام شود تا از اقدام منسجم در سطح کشور اطمینان حاصل شود. دولت کنیا با ذی‌نفعان کلیدی در سطوح ملی و محلی مشورت‌هایی انجام داد که منجر به شناسایی وضعیت، شکاف‌ها و توصیه‌هایی برای تحول در آموزش‌وپرورش شد. این مشورت‌ها ادامه تعاملات جاری در زمینه اصلاحات آموزشی بود.

همه‌گیری کووید-۱۹، یادگیری را در سطح جهانی مختل کرده، شکاف نابرابری را افزایش داده، شکاف دیجیتالی را آشکار کرده، سلامت روانی-اجتماعی یادگیرندگان را به خطر انداخته و کاستی‌های موجود در تاب‌آوری و چابکی بخش آموزش را برجسته کرده بود. با وجود تعطیلی ۱۲ هفته‌ای مدارس، این همه‌گیری، تاب‌آوری کنیا در آموزش را نشان داد که بر سرمایه‌گذاری گذشته و کارهای بنیادی برای بازگشایی و اداره ایمن مدارس در بحبوحه کووید-۱۹ بنا شده بود. برای کاهش اثرات این بیماری همه‌گیر بر آموزش، دولت یک طرح واکنش به کووید-۱۹ تدوین کرد، تقویم مدارس را فشرده کرد و دستورالعمل‌هایی در مورد پروتکل‌های بهداشت و ایمنی و استفاده از

روش‌ها و پلتفرم‌های جایگزین برای آموزش و یادگیری از راه دور و ترکیبی تدوین کرد. علاوه بر این، دولت تأمین مواد آموزشی را افزایش داد و دستورالعمل‌های ملی بازگشت به مدرسه را برای حمایت از ثبت‌نام مجدد دانش‌آموزان در مدرسه اجرا کرد. دولت از طریق سیاست انتقال ۱۰۰ درصد، سازوکارهایی را برای ردیابی و بسیج دانش‌آموزانی که در معرض خطر ترک تحصیل هستند، ایجاد کرد. این ابتکارات با ارائه بورسیه‌ها و کمک‌های مالی به دانش‌آموزان آسیب‌پذیر توسط دولت و شرکا تکمیل می‌شود (UNESCO, 2025).

پس از بازگشایی مدارس، وزارتخانه یک ارزیابی ملی یادگیری برای تعیین میزان افت یادگیری در آموزش پایه انجام داد. این امر منجر به معرفی برنامه‌های جبرانی شد. برای غلبه بر چالش‌های ناشی از بیماری‌های همه‌گیر در آینده، بخش آموزش در کنیا نیاز به تقویت ادغام فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت آموزش، تدریس و یادگیری؛ بهبود مدیریت داده‌ها، نهادینه‌کردن روش‌های جایگزین ارائه برنامه درسی و رسیدگی به مسائل مربوط به نابرابری در آموزش را تشخیص داد.

در واقع دولت کنیا پیشرفت قابل‌توجهی در گسترش دسترسی به آموزش در تمام سطوح داشته است. این امر عمدتاً از طریق ارائه کمک‌های مالی سرانه و همچنین برنامه‌های هدفمند برای رفع موانع آموزش، به‌ویژه برای یادگیرندگان آسیب‌پذیر، محقق شده است؛ بنابراین، دولت متعهد به افزایش ایمنی و سلامت یادگیرندگان، تقویت ادغام فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و یادگیری، اتخاذ رویکردهای نوآورانه در آموزش، ادغام یادگیرندگان دارای معلولیت و رسیدگی به مسائل مرتبط با برابری جنسیتی در آموزش با تمرکز بر پسران و دختران است. دولت کنیا متعهد می‌شود که از طریق اصلاحات برنامه درسی که تلاش می‌کند تا پتانسیل هر یادگیرنده را پرورش داده و مهارت‌های قرن بیست و یکم را توسعه دهد، کسب مهارت‌های بنیادی را افزایش دهد. این امر با سازوکارهای قوی برای ارزیابی مبتنی بر شایستگی و نظارت بر نتایج یادگیری از طریق چارچوب‌های ارزیابی ملی و بین‌المللی پشتیبانی خواهد شد. علاوه بر این، دولت متعهد است که تعداد جوانان دارای مهارت‌های مرتبط برای کار شایسته و کارآفرینی را افزایش دهد و درعین‌حال به سبز کردن زیربخش آموزش فنی و حرفه‌ای توجه کند. این اصلاحات تقاضا برای تجهیز مجدد معلمان تربیت معلم، ظرفیت‌سازی مداوم برای معلمان و مدیریت مدرسه، مشارکت و توانمندسازی والدین، مشارکت جوامع، یادگیری خدمات اجتماعی و ارائه منابع آموزشی کلیدی برای حمایت از اجرای اصلاحات را ایجاد کرده است.

دولت کنیا اذعان دارد که برای دستیابی به نتایج یادگیری بهبود یافته، نیاز به ارتقای کیفیت آموزش و فرهنگ و یادگیری آن در تمام سطوح آموزشی وجود دارد. دولت متعهد می‌شود که به تقویت تمام ابتکارات با هدف بهبود دانش، مهارت‌ها و رفاه معلمان و ایجاد مهارت‌های اصلی آنها در آموزش‌های تحول‌آفرین، رهبری آموزشی، آموزش فراگیر، عادلانه، مدیریت کلاس درس و تقویت آموزش از راه دور و مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات ادامه دهد. دولت همچنین متعهد است که تا سال ۲۰۳۰ به طور قابل‌توجهی تعداد معلمان واجد شرایط را برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار افزایش دهد. از طرف دیگر به سرمایه‌گذاری در ادغام فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در آموزش و یادگیری، مدیریت آموزش و ارزیابی برای افزایش کیفیت و عدالت در آموزش ادامه دهد. این امر از طریق تأمین زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، محتوای دیجیتال مناسب، اتصال به اینترنت و ظرفیت‌سازی معلمان، مربیان معلمان و مدیران آموزش محقق خواهد شد (UNESCO, 2025).

در نهایت، یافته‌های این مشورت‌ها در تدوین طرح ملی بخش آموزش (۲۰۲۷-۲۰۲۳)، طرح میان‌مدت چهارم چشم‌انداز کنیا ۲۰۳۰ و سایر سیاست‌ها و دستورالعمل‌های آموزشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

چالش‌های سازمان‌های منطقه‌ای در زمینه مأموریت فرهنگ و آموزش یونسکو

یونسکو با مأموریت ترویج صلح از طریق همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ فعالیت می‌کند. سازمان‌های منطقه‌ای به‌عنوان بازیگران مهم در سیستم بین‌المللی، نقش مکملی در تحقق اهداف یونسکو ایفا می‌کنند. با این حال، همکاری میان یونسکو و این سازمان‌ها با چالش‌های متعددی روبرو است که تحقق مأموریت فرهنگ و آموزش را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (European Commission, 2025).

- **تنوع فرهنگی و تعریف مشترک:** یکی از عمده‌ترین چالش‌ها، تنوع فرهنگی عمیق در مناطق مختلف جهان است. سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه آفریقا، سازمان همکاری اسلامی یا اتحادیه اروپا، هرکدام تعاریف و اولویت‌های فرهنگی متفاوتی دارند. این تنوع گاه منجر به تفسیرهای متفاوت از مفاهیمی مانند «تنوع فرهنگی» یا «حفاظت از میراث» می‌شود که هماهنگی در اجرای برنامه‌ها را دشوار می‌سازد.
- **تضاد منافع ملی و منطقه‌ای:** اگرچه سازمان‌های منطقه‌ای در سطح فراملی عمل می‌کنند، اما منافع ملی کشورهای عضو اغلب بر

تصمیم‌گیری‌های جمعی تأثیر می‌گذارد. این مسئله در حوزه‌های حساسی مانند آموزش (که با هویت ملی گره‌خورده) یا حفاظت از میراث‌فرهنگی (که ممکن است با ادعاهای تاریخی متعارض باشد) به‌وضوح مشاهده می‌شود.

- **محدودیت منابع و اولویت‌بندی:** سازمان‌های منطقه‌ای عموماً با محدودیت بودجه مواجه هستند و مجبورند میان اولویت‌های مختلف اقتصادی، امنیتی و فرهنگی دست به انتخاب بزنند. در این رقابت، برنامه‌های فرهنگی و آموزشی اغلب در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرند، به‌ویژه در مناطقی که با چالش‌های توسعه‌ای فوری روبرو هستند.
- **ناهماهنگی ساختاری و بوروکراسی:** تفاوت در ساختارهای اداری و فرآیندهای بوروکراتیک بین یونسکو و سازمان‌های منطقه‌ای، همکاری مؤثر را دشوار می‌سازد. پروژه‌های مشترک اغلب درگیر مراحل طولانی تصویب، گزارش‌دهی موازی و ارزیابی‌های چندگانه می‌شوند که بهره‌وری را کاهش می‌دهد.
- **ظرفیت نهادی نابرابر:** سازمان‌های منطقه‌ای از نظر ظرفیت نهادی و تخصص فنی با یکدیگر تفاوت چشمگیری دارند. این نابرابری باعث می‌شود برخی سازمان‌ها نتوانند به طور مؤثر در طراحی و اجرای ابتکارات فرهنگی و آموزشی مشارکت کنند یا از مزایای همکاری با یونسکو بهره کافی ببرند.
- **چالش در اجرای استانداردهای جهانی:** یونسکو استانداردها و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در حوزه‌هایی مانند آموزش فراگیر، حفاظت از میراث‌فرهنگی ناملموس یا آزادی بیان دارد. تطبیق این استانداردها با قوانین منطقه‌ای و ملی و نظارت بر اجرای آن، چالشی مستمر برای سازمان‌های منطقه‌ای است.
- **زبان و ارتباطات:** تنوع زبانی در برخی مناطق، ارتباط مؤثر و تبادل دانش را با یونسکو (که عمدتاً به زبان‌های رسمی سازمان ملل فعالیت می‌کند) دشوار می‌سازد. این مسئله به‌ویژه در پروژه‌های آموزشی که مستلزم ترجمه و بومی‌سازی محتوا هستند، نمود پیدا می‌کند.

توصیه‌های کلیدی به سازمان‌های منطقه‌ای با مأموریت فرهنگ و آموزش

تسهیل گفتگوی اجتماعی در مورد چارچوب یونسکو برای آموزش فرهنگ و هنر و ابزارهای بین‌المللی مرتبط، سازماندهی کارگاه‌ها و مشاوره‌ها برای جمع‌آوری دیدگاه‌های متنوع در مورد چگونگی پرداختن مؤثر به آموزش فرهنگی و هنری و پاسخ به چالش‌های محلی، ملی و منطقه‌ای، از مسائل ضروری و در حیطه مسئولیت یونسکو است. استفاده از بازخوردهای حاصل از این گفتگوی مداوم برای تدوین دستورالعمل‌های منطقه‌ای همسو با این چارچوب، شامل حوزه‌هایی مانند توسعه برنامه درسی، تحقیق و نوآوری میشود. از جمله توصیه های موجود، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- در سطح میانی میان مجامع چندجانبه و دولت-ملت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند با ایفای نقش میانجی، هم‌سویی میان الزامات شهروندی جهانی و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی محلی را تسهیل و تسریع کنند؛
- تقویت مشارکت جامعه، آموزش نظام‌مند معلمان و تخصیص هدفمند منابع به برنامه‌های فرهنگی و هنری، با تمرکز بر آموزش فرهنگ صلح، توسعه پایدار و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، در اولویت قرار گیرد؛
- محققان و مربیان به اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های آموزشی در حوزه فرهنگ و هنر برای صلح، هم‌زیستی و توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای تشویق و حمایت شوند؛
- از طریق برنامه‌های آموزشی منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری هدفمند در ظرفیت‌سازی مربیان انجام شود تا مهارت‌های لازم برای ادغام آموزش صلح، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، تفکر انتقادی و احترام به تنوع فرهنگی در تدریس تقویت گردد و در صورت نبود برنامه‌های جدید، این مؤلفه‌ها در آموزش‌های موجود معلمان گنجانده شود؛
- ادغام تجربیات فرهنگی و هنری در تمامی ابعاد زندگی دانشجویی ترویج شود و همکاری میان نهادهای آموزشی و مؤسسات فرهنگی مانند موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز هنری، با مشارکت آموزش عالی و جامعه مدنی، تقویت گردد؛
- برنامه‌های حساس به فرهنگ موجود در منطقه شناسایی و تقویت شوند تا به ارتقای آموزش شهروندی منطقه‌ای و جهانی، آگاهی از مسائل فراملی و درک بین‌فرهنگی کمک کرده و در راستای تحقق دستور کار ۲۰۳۰ و به‌ویژه هدف چهارم توسعه پایدار نقش‌آفرینی کنند؛
- از ابتکارات و شبکه‌های دانشجویی و جوانان برای ترویج تنوع فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، شمول و عدالت اجتماعی حمایت شود و هم‌زمان با نفرت‌پراکنی، بیگانه‌هراسی، نژادپرستی و تمامی اشکال تبعیض و خشونت مقابله گردد، به‌گونه‌ای که جوانان

به کنشگرانی فعال در نظام‌های آموزشی حساس به فرهنگ تبدیل شوند.

نتیجه‌گیری

در مواجهه با چالش‌های پیچیده و به‌هم‌تنیده جهانی از جمله نابرابری‌های فزاینده، تنش‌های بین‌فرهنگی، درگیری‌ها و بحران‌های زیست محیطی، چارچوب آموزش فرهنگ و هنر برای توسعه پایدار یونسکو، نقشه‌ای راهبردی و مبتنی بر ارزش برای تحول آموزشی ارائه می‌دهد. این چارچوب با تأکید بر یادگیری از طریق تنوع فرهنگی، ترویج گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و تقویت شهروندی جهانی، درصدد پرورش نسلی است که نه‌تنها واجد دانش و مهارت‌های ضروری برای پایداری، بلکه مجهز به ظرفیت‌های اخلاقی و انسانی برای ساختن جوامعی عادلانه و صلح‌طلب است. مانند نمونه کنیا که از نظر گذراندیم. در این مسیر، همکاری‌های چندجانبه و به‌ویژه همکاری‌های منطقه‌ای نقشی محوری و بی‌بدیل ایفا می‌کنند. درعین‌حال همکاری بین یونسکو و سازمان‌های منطقه‌ای در حوزه فرهنگ و آموزش علی‌رغم چالش‌های متعدد، ضرورتی انکارناپذیر در جهان چندقطبی امروز است. در مقابل سازمان‌های منطقه‌ای به‌عنوان واسطه‌هایی حیاتی، می‌توانند شکاف بین آرمان‌های جهانی و واقعیت‌های محلی را پر کنند. آنان با درک عمیق از اشتراکات تاریخی، فرهنگی و چالش‌های مشترک کشورهای عضو، قادرند زمینه‌ساز گفت‌وگوی اجتماعی پیرامون این چارچوب و تطبیق آن با نیازهای خاص منطقه باشند. در مجموع، تحقق چشم‌انداز چارچوب یونسکو که در آن آموزش و فرهنگ به‌عنوان هسته ارزشی و توانمندساز تمام اهداف توسعه پایدار عمل می‌کنند، نیازمند عزمی جمعی و ساختارهای همکاری جدید است. سازمان‌های منطقه‌ای با ایفای نقش تسهیل‌گر، میانجی و پشتیبان، می‌توانند این عزم جمعی را سامان بخشند و مسیر را برای تحقق آموزشی هموار کنند که در خدمت کرامت انسانی، تنوع فرهنگی و آینده‌ای پایدار برای همه باشد؛ بنابراین، آینده توسعه پایدار در گرو سرمایه‌گذاری بر این همکاری‌های منطقه‌ای هوشمند و مبتنی بر زمینه است تا اصول جهان‌شمول در بستری محلی ریشه بدوانند و ثمر دهند.

منابع

- Aronson, B., & Laughter, J. (2016, March). The theory and practice of culturally relevant education: A synthesis of research across content areas. Review of educational research. 86(1), 163-206. From: https://journals.sagepub.com/-doi/10.3102/0034654315582066
- Culture Action Europe. (2019). Implementing culture within the sustainable development goals; The role of culture in Agenda, 2030. Culture Action Europe. From: https://cultureactioneurope.org/wp-content/uploads/2019/09/CAE_SDG-Report-1.pdf
- Durez, A. (2014). Latin Geo cultural organizations in globalization: between convergence and Competition. Desafíos, 26(2), 125-152. From: https://doi.org/10.12804/desafios26.02.2014.05
- European Commission. (2025, December 10). Supporting countries' efforts to raise additional resources for their sustainable development: EU endorses the Seville Declaration on Domestic Revenue Mobilization. European Commission. From: https://international-partnerships.ec.europa.eu/news-and-events/news/supporting-countries-efforts-raise-additional-resources-their-sustainable-development-eu-endorses-2025-12-10_en
- Gundara, J. S., & Portera, A. (2008). Theoretical reflections on intercultural education. Intercultural Education. 19(6):463-468. From: https://doi.org/10.1080/14675980802568244
- Guterres, A. (2022). Transforming education: An urgent political imperative for our collective future. UN. From: https://www.un.org/en/transforming-education-summit/sg-vision-statement
- King, E. (2017). International development, sustainable development goals and pluralism. Global Center for Pluralism. From: https://www.pluralism.ca/resource/international-development-sustainable-development-goals-pluralism/
- Martinell, A. (2015). Why don't the SDGs incorporate culture? Confluence. CONFLUENCIA. From: https://alfonsmartinell.com/por-que-los-ods-no-incorporan-la-cultura
- Riedemann, A., & Stefoni, C., & Stang, F., & Corvalán, J. (2020). From an intercultural education for indigenous peoples to one relevant to the current migratory context. An analysis based on the case of Chile. Atacameño Studies, (64), 337-359. From: https://www.scielo.cl/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0718-10432020000100337&lng=en
- Selwyn, N. (2021). Ed-Tech Within Limits: Anticipating educational technology in times of environmental crisis. E-learning and Digital Media. 18(5), 496-510. From: https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/20427530211022951
- Söderbaum, F. (2013). Rethinking Regions and Regionalism. Georgetown Journal of International Affairs, 14(2), 9–18. http://www.jstor.org/stable/43134407
- UNESCO. (2021). Reimagining our futures together: A new social contract for education. UNESCO. From: https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000379381

- UNESCO. (2022). Final Declaration. MONDIACULT-2022/CPD/6. UNESCO. From: https://www.unesco.org/sites/default/-files/medias/fichiers/2022/10/6.MONDIACULT_EN_DRAFT%20FINAL%20DECLARATION_FINAL_1.pdf?hub=67076
- UNESCO. (2023). Draft revised 1974 Recommendation concerning Education for International Understanding, Cooperation and Peace and Education relating to Human Rights and Fundamental Freedoms. UNESCO. From: https://unesdoc.unes-co.org/ark:/48223/pf0000386924
- UNESCO. (2024). World Conference on Culture and Arts Education 2024. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/wc-cae2024
- UNESCO. (2025, November 24). ESD for 2030 country initiatives. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/sustaina-ble-development/education/country-initiatives
- Urteaga, M. (n.d). Approaches to understanding the debate on interculturality from the perspective of higher education and indigenous youth in Latin America. Academica. From: https://www.academia.edu/29033367/Rutas_para_aproximar-nos_a_la_disputa_por_la_interculturalidad_desde_la_educaci%C3%B3n_superior_y_los_j%C3%B3venes_ind%C3%ADgenas_en_Am%C3%A9rica_Latina

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی